

تأملی در مبانی حق بر محیط زیست در اسلام

محمدحسین کاتبی* / علی پورقصاب امیری** / احمدرضا بهنیافر***

تاریخ: دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۷/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷

چکیده

از منظر اسلام به عنوان یک دین جامع و کامل، میان انسان و طبیعت رابطه وجود دارد. رابطه انسان با طبیعت به گونه ای که او ارزش وجودی خود را به دست آورده و حفظ کند و امین خداوند سبحان باشد، رابطه تسخیری است؛ یعنی تمام طبیعت در اختیار انسان قرار گرفته و مسخر انسان گردیده است تا از آن به طور معقولی استفاده نماید و آن را تلف و نابود ننماید. این نوع حق در قرآن کریم شناسایی گردیده و از دیدگاه‌های گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. اصول زیست محیطی از منظر رسول گرامی اسلام (ص) صبغه ملکوتی دارد. توصیه شده از محیط زیست و طبیعت به عنوان امانت الهی استفاده و انسان هرگز نمی تواند مالکیتی نسبت به آن چه در اختیارش است داشته باشد و آنها را از آن خود بداند و برای بهره مندی هر چه بیشتر خویش، طبیعت را آلوده و در محیط زیست هر گونه تصرف زیان باری داشته باشد. یافته اصلی تحقیق که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده آن است که حق بر محیط زیست - صرفنظر از فردی یا جمعی بودن این حق - علاوه بر اسناد بین المللی متعدد، با مبانی فقهی اعم از قرآن، سنت، عقل و نیز قواعد متعدد فقهی از قبیل لاضرر و قاعده اتلاف و قاعده نفی عسر و حرج به عنوان یک حق بنیادین و اساسی به رسمیت شناخته می شود.

کلیدواژه: اسلام، حق بر محیط زیست، طبیعت، انسان، قرآن، سنت، قواعد فقهی.

* دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

** استادیار گروه حقوق بین الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران (نویسنده مسئول)

fgpor444@gmail.com

*** دانشیار گروه حقوق عمومی واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

مقدمه

انسان رام شده الهی در مقابل انسان طغیانگر وحشی، جهان طبیعت را دوست دارد؛ آن گونه که نفس به بدن علاقه دارد و طبیعت را بسان بدن خود می داند که سلامت، نشاط و خرمی او، مایه نشاط و فرح جان و روان است و خود را در برابر سلامت محیط زیست مسئول و متعهد می بیند؛ همانگونه که در سلامت و صحت بدن خود کوشاست در رفع آن افت جسمانی، ساعی است، از آسیب هایی که به محیط زیست و زندگانی او می رسد نیز متأسف می گردد و در درمان آن جدی است. بی شک، انسان کریم که صاحب مقام خلافت الهی است زیبایی ها، جمال و جلال الهی را در طبیعت نیز حافظ است و با نگرش الهی، نسبت به آن استعمارگری دارد و در آبادانی، احیاء و سالم سازی محیط پیرامون، متعهد است، از این رهگذر، حاکمان الهی که برپاکنندگان امر الهی و اقامه کنندگان سنت های ربوبی اند، در شمار اولین پیشگامان نهضت سالم سازی محیط زیست و معمور داشتن آن هستند.

بنابراین، حفظ محیط زیست، پیش از آن که علمی تجربی و طبیعی باشد راستی تجربیدی و انسانی است و از خاستگاه انسانی انسان جوانه می زند و تنها نگاه طبیعی و مادی به آن مایه محدود دانستن این فن و بی توجهی به این شأن شریف انسانی است و چون دین عهده دار شئون مختلف و ابعاد وجودی انسان است تمامی ادیان الهی به این امر توصیه و آموزه های بلندی را در این رابطه ارائه کردند؛ از اینرو دانش محیط زیست و حفاظت از آن، علمی انسانی و دینی است.

حفاظت از طبیعت و محیط زیست یکی از سفارشات مؤکد دین مبین اسلام است که در آیات و روایات متعددی بر آن تأکید شده است؛ به گونه ای که در هیچ مکتب دیگری اینچنین برای طبیعت سفارش و تأکید نشده است.

بسیاری از سوره های قرآن کریم به نام یکی از عناصر طبیعی است؛ به عنوان مثال سوره رعد، نحل، نور، عنکبوت، نجم، بقره، شمس، حدید، لیل و قمر. در آیات قرآن

کریم همچون آیه ۴۹ سوره قمر «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ؛ ما ییم که هر چیزی را به اندازه آفریده‌ایم» که از نظم حاکم بر جهان و طبیعت حکایت می‌کند و از آن این نتیجه حاصل می‌شود که نابسامانی‌های موجود در طبیعت و آلودگی‌های زیستی، ناشی از بهره‌وری نادرست از طبیعت و منابع آن است. گاهی اوقات فعالیت‌های انسانی برای رسیدن به توسعه و رفاه موجب ضربه زدن به طبیعت می‌شود و حیات موجودات زنده دیگر را به خطر می‌اندازد به حدی که امروز بحران محیط زیست وجود دارد و برای رهایی از این بحران نیز باید به اصول اخلاقی و متون دینی خود مراجعه کنیم (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

موضوع محیط زیست سابقه دیرینه‌ای در فقه اسلامی دارد. خوشبختانه آثار فراوانی در این خصوص از دانشمندان اسلامی به جا مانده که مربوط به قرن‌های نخست پیدایش مکتب بزرگ اسلام است.^۱

۱. این آثار را می‌توان در سه دسته مختلف قرار داد: بخشی از این آثار مربوط به علوم طبیعی که این آثار متنوع و متعدد هستند و از قرون اولیه اسلامی تا کنون می‌توان موارد بسیاری از آن را یافت برخی از این نوشتارها به آثار ناگوار تخریب طبیعت و نابودی آن از طریق جنگ نیز اشاره دارد نظیر: الإبل اثر ابوزید بن عبدالله بن حر بن همام کلایی (متوفی ۲۰۱ق) و الشمس و القمر و نیز خلق الفرس اثر نصر بن تسمیل بن خوشه تمیمی مازنی (متوفی بصره ۲۰۴ق) و بخشی دیگر عرفانی و الحیاتی (الهیات محیط زیست)؛ برخی از آثار با تأمل و تدبّر و تفکر در طبیعت به عنوان عظمت و قدرت و حکمت الهی به محیط زیست پرداخته به ویژه در دوران معاصر پس از مطرح شدن بحران محیط زیست به این مسأله از نظر الهیات و عرفان اسلامی نگریسته و تخریب محیط زیست را نهی و در جنگ آن را از مصادیق فساد انگیز انسان بر زمین، نشانه‌های ظهور و بحران معنا و هویت انسان مدرن و نظایر آن در چارچوب تعالیم انسان‌ساز بشریت بحث نموده‌اند؛ برای نمونه در این موضوع می‌توان به کتاب اسلام و محیط زیست آیت الله جوادی آملی و کتاب دین و نظم طبیعت سید حسن نصر اشاره نمود. و در آثار فقهی معمولاً از منظر مسائل و احکام بحث حمایت از محیط زیست بویژه در جنگ مطرح است در کتب قدما در احادیث و نوشتار فقهی در باب «جهاد التفروح طرابلسی ۱۴۰۶» و اثر فقه محیط زیست آیت الله سید محمد شیرازی و بحث حفاظت از محیط زیست در خلال جنگ از نظر فقهی پرداخته‌اند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۰ق: ۱۲۵) و برخی تفاسیر قرآن من جمله علامه طباطبایی (ره) و آیت الله مکارم شیرازی و کتاب حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر اسلام دکتر فهیمی و دکتر مشهدی این موارد در خصوص وضعیت محیط زیست در صلح و جنگ مورد بحث قرار گرفته است.

سؤال اصلی این پژوهش بررسی این امر است که قواعد ناظر برای حفاظت از محیط زیست از منظر اسلام چگونه است؟ در این راستا سؤالات فرعی متعددی نیز مطرح است از جمله این که رویکرد منابع اسلامی به ضرورت حفظ محیط زیست کدام است؟ و نظام حقوق اسلام از چه طریقی به حفظ محیط زیست کمک می نماید؟ فرضیه این پژوهش در پاسخ به سوال اصلی بر این مبنا استوار است که برای حفاظت از محیط زیست و حق بر محیط زیست سالم، قواعد جامع و مشخصی در منابع حقوق اسلام می توان یافت.

۱- مفهوم حق

واژه «حق» در معانی گوناگونی به کار گرفته می شود. وجه اشتراک کاربردهای متفاوت آن مفهوم «ثبات» و «پایداری» است (دهخدا، ۱۳۸۱: ۴۴). صرفنظر از معنای لغوی، حق در اصطلاح تعاریفی دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف: حق عبارت از اختیاری است که قانون برای کسی شناخته تا بتواند امری را انجام یا ترک نماید. به بیان دیگر، حق عبارت است از قدرت و توانایی قانونی که به موجب آن شخص می تواند به واسطه آن از چیزی منتفع گردد یا انجام امری یا ترک فعلی را بنماید.

ب: حق، توانایی است که حقوق هر کشور به افراد می دهد تا از مالی به طور مستقیم بهره برداری و استیفا نمایند یا انتقال مال و انجام دادن کاری را از دیگری بخواهد. (عمید، ۱۳۹۰: ذیل واژه حق).

ج: حقوق به عنوان جمع حق، در مبحث حاضر این معنا مورد توجه است. این اصطلاح در متون فقهی و اصولی تعاریف مختلفی شده است که بدان اشاره می شود:

د- حق، اعتباری خاص و اضافه ویژه ای است که از حکمی و منعی یا تکلیفی و یا منشا دیگری انتزاع می یابد (آخوند خراسانی، ۱۳۸۹: ۲۲۴).

و- حقّ اختیاری است برای انجام یک فعل که به یک فرد یا یک اجتماع داده می شود. اعلامیه های حقوق بشر حقّ را به همین معنا گرفته اند.

اما از لحاظ حقوقی تعریف حقّ، متفاوت است چنان که برخی حقّ را چنین تعریف نموده اند: سلطه و اختیاری است که حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها می دهد. به عبارت دیگر، حقّ امتیازی که قواعد حقوق، برای تنظیم روابط اشخاص به سود برخی از آنان در مقابل دیگران به وجود می آورد (کاتوزیان، ۱۴۰۱: ۲۲۸). «حقّ، امری اعتباری است که به موجب آن صاحب حقّ، شایستگی بهره وری از امری و اختصاص آن را به خود یافته و بر دیگران نیز رعایت آن لازم است (طباطبائی، ۱۳۶۲، ۵۴/۲).

یکی از حقوقدانان در تعریف حقّ آورده است: الف) امری که در قانون پیش بینی شده اگر افراد مجاز باشند که به قصد خود برخی از آنها را تغییر دهند، این امور قابل تغییر را حقّ گویند...؛ حقّ به این معنی در مقابل حکم قرار می گیرد. ب) نوعی از مال است و در این صورت در مقابل دین، عین، منفعت و انتفاع بکار می رود...؛ ج) قدرتی که از طرف قانون به شخص داده شده حقّ نامیده می شود؛ در فقه در همین معنی کلمه سلطه را به کار می برند؛ حقّ در این معنی دارای ضمانت اجراست و آن را حقّ تحقّقی و حقوق موضوعه و حقوق مثبت نیز گفته اند (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰: ۱۷۲۲).

در خصوص رابطه حقّ و تکلیف نیز باید گفت که تکلیف، اصطلاحی فقهی و کلامی و به معنای وظیفه ای است که از ناحیه دین بر گردن بندگان نهاده می شود که به واسطه آن انجام دادن یا ترک کاری بر فرد واجب می شود. در علوم اسلامی به تکلیف از دو منظر توجه شده است: نخست از منظر فقهی، و به تبع آن اصولی؛ دوم از منظر کلامی. در فقه و اصول، ماهیت تکلیف و شرایط آن با توجه به

وجه عملی موضوع بررسی می‌شود. در مقابل، در کلام به موضوعات مذکور به صورت نظری و انتزاعی توجه می‌گردد. در بخش کلام از موضوعاتی چون غرض از تکلیف و راه شناخت تکلیف و اولین تکلیف آدمی بحث می‌شود.

تکلیف، به معنای الزام متعلق به فعل یا ترک فعل انسان است و با حق رابطه‌ای دوسویه دارد. به عبارتی دیگر، هر حقی مستلزم تکلیفی و هر تکلیفی مستلزم حقی است؛ لکن تفاوتی که با هم دارند در این است که در مفهوم حق، اختیار بهره برداری و استیفاء قرار داده شده است و صاحب حق خود می‌تواند انتخاب کند؛ در صورتی که تکلیف اینگونه نمی‌باشد، هرچند در مقام عمل، انسان می‌تواند ترک تکلیف نماید (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۷۵-۷۶).

۲- مفهوم محیط زیست از منظر اسلامی

در متون و منابع اسلامی محیط زیست معادل‌های متعدّد و متنوعی را به خود اختصاص داده است. در آیات قرآن طبیعت به عنوان مخلوق خداوند بارها در قالب‌های گوناگون آورده شده است. بسیاری از واژه‌های قرآن درباره طبیعت و محیط زیست است مانند «ارض» ۱۴۵۱ بار، «سما» ۳۱۰ بار، «ماء» ۶۴ بار، «شمس» ۳۳ بار و کلماتی نظیر جبل، شجر، نمل، فجر، بروج و نظایر آن اشاره به عناصر متعدّد محیط زیست می‌نماید. (شعیمی مازندرانی، ۱۳۸۶: ۶).

برخی در تعریف محیط زیست آورده‌اند که محیط زندگی آدمی و هر موجود زنده دیگر از فضای خانه گرفته تا فضای کوچه‌ها، خیابان‌ها، پارک‌ها و فضاهای سبز، توقفگاه‌ها جنگل‌ها، حاشیه‌نهرها، مراکز آموزشی، پژوهشی، فرهنگی خدماتی اداری، عبادی و ... محیط زیست به شمار می‌آیند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۸۹).

در بسیاری از آیات قرآن مجید به تدبیر و تفکر در مظاهر طبیعی دعوت شده است؛ مثل: قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ. (عنکبوت: ۲۰) بگو در زمین سیر نمایید و بنگیرد که خلقت چگونه شکل گرفته است.

در گفتمان حقوقی امروز از محیط زیست به عنوان حقی از حقوق بشر یاد می شود و در نسل سوم از نسل های سه گانه این حقوق مورد بحث و بررسی قرار می گیرد (امیدی و یوسفی پور، ۱۳۹۳: ۱۰).

مهم ترین عناصر محیط زیست عبارتند از جنگل ها، مراتع، هوا، خاک و آب که قرآن کریم آنها را مهم یاد می کند و در اینباره به پیروان مسلمانان خود دستوراتی داده که آنها را به اجمال بررسی می نمایم.

الف) جنگل ها و مراتع

قرآن کلمه جنگل را به عنوان «جنت» و «بوستان» یاد کرده است. مثل: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا (نبا: ۱۶-۱۵-۱۴): از ابرهای باران را آب فراوانی نازل نمودیم تا از آن دانه و گیاه و بوستان های انبوه برویانیم.

کلمه مرتع نیز به عنوان «رمعی» و «ماء» ذکر شده است مثل: «أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَ مَرْعَاهُ. وَالْجِبَالِ أَرْسَاهَا مَتَاعًا لَكُمْ وَ لِنَاعِمِكُمْ (نازعات: ۳۱ تا ۳۳): از زمین آب و مرتع ایجاد نمود و کوه ها را استوار ساخت تا مورد بهره شما و چهارپایانتان قرار گیرد.

ب) هوا (باد)

از آنجا که باد، هوای متحرکی است که حالت وزش به خود می گیرد، (طوسی، بی تا، ۲۴۱/۱) هر جا از این دو یاد می شود، بیش از یک چیز منظور نیست. این پدیده الهی فواید فراوانی در زندگی انسان دارد. حیات آدمی به اکسیژن حاصل از هواست. قرآن کریم در موارد فراوان از این پدیده طبیعی یاد می نماید مثل: «و تصریف الریاح و السحاب المسخر بین السماء و الارض لآیات لقوم یعقلون: در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که بین زمین و آسمان مسخرند، نشانه هایی برای اندیشمندان وجود دارد» (بقره: ۱۶۴)؛

باد سفیر الهی شمرده شده است: «وَهُوَ الَّذِي يَرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ» (اعراف: ۵۷) او کسی است که بادها را بشارت دهنده، پیشاپیش رحمتش (باران) می فرستد...

ج) زمین

انسان ها به طور گسترده ای با زمین در ارتباط هستند و قرآن کریم ۵۴۱ بار از آن یاد کرده است و فواید فراوانی برای آن برشمرده است، مثل: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا» (زخرف: ۱۰) او کسی است که زمین را گهواره (محل آرامش) شما قرار داد...؛ زمین، با وجود حرکت های جداگانه، مثل گهواره موجب آرامش و سکناى انسان هاست چنان که خداوند در برتری خود بر معبودهای دروغین، خلقت زمین را مثال می زند: «أَمْ نَجْعَلُ الْأَرْضَ قَرَارًا» (نمل: ۶۱): آیا شریکانی که می پندارند بهتر است یا آن کس که زمین را قرارگاهی ساخت؟ خداوند وقتی می خواهد به انسان مقام والایی بدهد و نقش خلیفه و جانشین خدا در زمین به انسان دهد «وَ إِذَا قَالَ رَبِّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) هنگامی که خدا توبه فرشتگان گفت که من در زمین جانشین قرار می دهم.

د) آب

حیات بر این کره خاکی از آب سرچشمه می گیرد: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (انبیاء: ۳۰) و همه موجودات زنده را از آب خلق کردیم: و آب دو خاصیت دارد که هم پاک است و هم پاک کننده، قرآن کریم می فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» (فرقان: ۴۸) ما از آسمان آبی طهور فرستادیم. پاک بودن و پاک کننده از کلمه «طهور» استفاده شده است (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۲۱۷/۱۵).

۳- صبغه دینی محیط زیست

اسلام به محیط زیست به عنوان برنامه ای مقدس نگاه می کند، از این رو دولت و همه نهادها و سازمان های مرتبط با مسأله محیط زیست باید سازمان محیط زیست را در

انجام فعالیت هایش یاری کنند و هرگز نباید خود را از این مسئولیت جدا بدانند. فقه اسلامی نسبت به مسائل مربوط به محیط زیست بی تفاوت نیست و دستورهای مؤکدی در زمینه حفظ و نگهداری و گسترش و آفت زدایی آن را نیز صادر کرده است. لذا پیوند دائمی مباحث فقهی با مسائل محیط زیست را باید طلیعه مبارک در حفظ و حراست و پاسداری از منابع محیط زیست دانست.

دین اسلام حقوق و وظایف مسلمانان را در قبال طبیعت به درستی بیان کرده است؛ از جمله اینکه کنار نهرها، زیر درختان میوه دار و مقابل درهای خانه ها و محل استراحت کاروان ها و اطراف مساجد را آلوده نسازید (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱/۳۲۴) [حتی] در دستورات جنگی [که شکست یا پیروزی با اموری جزئی گره خورده است] این گونه نقل شده که درختان سرزمین دشمن را قطع نکنید؛ نسوزانید و با جریان سیل آسای آب، آن ها را از میان نبرید. آب آشامیدنی دشمن را آلوده نسازید (همان).

مطالب گفته شده از حقوق و وظایف دوسویه همه ی شهروندان است. پیامبر مکرم اسلام (ص) فرمود: «من اماط عن طریق المسلمین ما یوذیهم، کتب الله له اجر قراءه اربعماه ایه، کل حرف بعنسر حسنات» (همان: ۵۰) هر کس از طریق و روش مسلمانان، چیزی را که سبب آزار و اذیت عابران می گردد رفع نماید، خداوند به او پاداش خواندن چهارصد آیه قران را در کتاب اعمال او ثبت می نماید که ثواب قرائت هر حرف، ده حسنه (کارنیک) می باشد.

منظور از راه، فقط مسیر زمینی نیست، بلکه محل عبور دریایی و پل ارتباط هوایی را نیز در برمی گیرد. منظور از چیزی که آزار می دهد، ویژه موانع عبوری نمی باشد، بلکه هر آنچه را که باعث آزار و اذیت رهگذران گردد را شامل می شود که و برخی از مزایای سلامتی یا نشاط جامعه را نابود می کند؛ مانند بوی زباله، دود کارخانه، آلودگی صوتی و سنگینی ترافیک و ... که سخنان نغز آن حضرت را در بر می گیرد و قداست رعایت اصول زیست محیطی همسان حرمت تلاوت متن مقدس دینی است.

از اینجا به قدارت مقابل آن را متوجه خواهیم شد، روشن است که اگر دولت یا ملتی عمداً به فضای سبز سالم و نشاط آور نیندیشد و از آلاینش آن جلوگیری نمایند و منطقه زرین الهی محیط زیست و هستی را آلوده کنند یا در مقابل آلوده کردن صاحبان کارگاه‌های سودجو، ساکت نشینند، قهر خدای قاهر آنان را در بر می‌گیرد، و جایگاه آنان در قعر دوزخ است. البته چنین قهری، چنین قهری را در پی دارد، بنابراین پیامبر اکرم اسلام (ص) فرمود: «ثلاث ملعوم من فعلهن، المتغوط فی ظل النزال، والمانع الماء المنتاب و ساد الطريق المسلوک: سه عمل است که انجام دهنده آن ملعون اس: ۱- کسی که سایه‌گاه کاروانیان را آلوده سازد؛ ۲- کسی که از آب نوبتی جلوگیری نماید؛ ۳- کسی که راه عبور مردم را ببندد» (حرّ عاملی، ۱۴۲۰: ۳۲۵/۱).

با این وجود، انسان باید به روشی در محیط زیست تصرف نماید که وی را برای رسیدن به حیات طیبه و توسعه متعادل که ارتقای وضع جسمی و روحی انسان را تضمین می‌نماید، مساعدت نماید. به بیانی دیگر، انسان در محیط زیست باید به گونه‌ای تصرف کند که آدمی را به غایت و هدف خلقت برساند. بدین لحاظ، استفاده از آن به گونه‌ای که خودش انتخاب می‌کند و بدون این که توجه کند که نعمت‌ها وسیله‌اند نه هدف، خود موجب گمراهی و انحراف انسان از مسیر حق می‌گردد. انسان به عنوان موجودی دارای اختیار، باید به این واقعیت جامه عمل بپوشاند، که زمین به همان صورت که جایگاه رشد تکوینی و جسمی اوست، باید محیط تکامل روحی و معنوی او نیز باشد؛ و به دلیل اینکه اسباب و مقدمات تکامل روحی‌اش، ارادی و اختیاری است، پس باید به گونه‌ای آگاهانه و از روی تدبیر و اندیشه از محیط زیست، برای این هدف متعالی بهره برداری نماید؛ چونکه رسیدن به تکامل روحی و معنوی بدون بهره‌مندی از محیط زیستی امن و سالم ممکن نیست.

۴- منابع اسلامی حق و حمایت از محیط زیست

منابع اسلامی حمایت از محیط زیست به ویژه در جنگ را باید در منابع مشهور ادله فقهی در اسلام یافت. با رجوع به منابع مشهور یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل می توان منابع متعددی ناظر بر حمایت از محیط زیست را معرفی نمود.

برخی از دستورات و احکام ریشه در منابع اصیل اسلامی می دانند. مانند منع قطع درختان و از بین بردن درختان میوه دار به جز موارد اضطرار، منع سوزاندن نخل ها و بوستان ها، منع سوزاندن و از بین بردن مزرعه ها و کشتزارها، منع پرتاب و انتشار زهر در مناطق دشمن، منع کشتار پیرمردان و زنان و کودکان، اسیران، غیرنظامیان و منع بی حرمتی به اجساد و مثله کردن آنان در جنگ.

بنابراین بیشتر منابع فقهی مربوط به محیط زیست، عبارتند از قرآن، سنت اجماع و عقل که تمام فرق اسلامی این منابع را مورد تایید و قبول دارند. و البته برخی از مذاهب اسلام مواردی افزون بر اینها معتقدند... بنابراین ادله فوق که اجتهادی هستند که تحت عنوان ادله چهارگانه شناخته می شوند. در صورت فقدان این ادله باید سراغ موارد راهگشا برای برطرف کردن شک رفت که به آنها اصول علمیه و به حکم صادر از این اصول، حکم فقاهتی گویند. در ادامه تلاش بر این است در این مقوله منابع فقهی و کاربرد آنها در حفظ محیط زیست به اختصار بررسی شود.

۴-۱- قرآن

در قرآن کریم آیات بی شماری به محیط زیست اختصاص داده شده است. قرآن کریم فقط نگاه ظاهری به خصوص طبیعت ندارد. بلکه ضمن اینکه اصول و جزئیات نحوه ی ارتباط انسان با محیط زیست و طبیعت را بیان می کند چگونگی استفاده و تعامل با آن را نیز مشخص می کند. قرآن کریم می خواهد نوع نگاه انسان به طبیعت را منظم نموده و در مجرای صحیح به پیش برد تا از طبیعت بهترین بهره برداری انسان ها حاصل شود.

الف: حق همگانی بودن محیط زیست

این دسته از آیات بیان می‌دارند که خداوند سبحان طبیعت و محیط زیست را برای انسان خلق نموده و انسان می‌تواند در آن تصرف نموده و از آن بهره برداری نماید و این حق برای همه انسانها در همه زمانها قرار داده شده است. (گرجی، ۱۳۶۳: ۱۱۵)

در قرآن در سوره بقره آمده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره: ۲۹)؛ و اوست آن (آفریننده‌ای) که همه آنچه در زمین است برای شما آفرید.

این آیه استفاده و بهره بردن انسان از منابع و منافع زمین را برای همه‌ی انسانها می‌داند، که در همه زمانها از آن بهره برداری نمایند؛ و باید به طور اصولی و صحیح، در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسانها در همه دوره‌ها انجام شود. خداوند در آیه دیگری از قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» (اعراف: ۱۰)؛ شما را از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم.

این آیه نیز، از توانایی و امتیازی که انسان در روی زمین دارد، سخن می‌گوید تا جایی که در آن وسائل زندگی او فراهم گردیده است. بدیهی است که داشتن محیط زیستی سالم، از نخستین حقوق انسان برای زندگی در روی زمین است. براین مبنا، خداوند نیز، پهنه طبیعت را زیستگاه انسانی قرار داده است.

در آیه ۱۰ سوره الرحمن آمده است: «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» و (خداوند) زمین را برای همگان قرار داد. مطابق این آیه، زمین و محیط زیست آن، حقی همگانی برای همه انسانها می‌باشد و همه حق دارند از آن استفاده نمایند. لذا، استیفای این حق، باید به شکلی باشد که استفاده و بهره‌برداری از آن، برای نسل حاضر و نسل‌های آینده محفوظ باشد.

نکته‌ای که در این جا حائز اهمیت است این است که، هرگاه حقی برای انسان نسبت به چیزی فراهم شود، در مقابل آن تکلیفی نیز وجود دارد. به بیانی دیگر حق و تکلیف،

دو رابطه دوسویه دارند. اگر استفاده و بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست برای انسان در نظر گرفته شده؛ این حق، تکلیفی نیز به وجود می‌آورد. و آن این که انسان، موظف است به شکلی از حق خود بهره‌برداری نماید که به حقوق دیگران لطمه‌ای وارد نسازد. بر همین مبنا، اگر انسان از محیط زیست استفاده می‌کند، باید استفاده او، به گونه‌ای باشد که خدشه‌ای به حقوق دیگران در بهره‌برداری از آن وارد ننماید.

ب: آفرینش عناصر محیط زیست برای انسان

در دسته‌ای از آیات قرآن، خداوند با نام بردن از عناصر محیط زیست، بر آفرینش آنها برای انسان تأکید می‌کند.

در سوره نحل خداوند می‌فرماید: «وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (نحل: ۵)؛ چهارپایان را آفرید که برای شما از آنها گرما (جامه‌های گرم) و سودهای دیگر فراهم می‌آید و از آنها می‌خورید.

در همین سوره خداوند همچنین می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...» (نحل: ۱۰). اوست (خدایی) که از آسمانها آب فرستاد که از آن می‌آشامید و بدان درخت و گیاه می‌روید، که در آن (رویده‌ها)، دامهای خود را می‌چرانید.

این دسته از آیات که موارد آن در قرآن فراوانند، همه آنها حاوی یک پیام می‌باشند و آن این است که هر آنچه از عناصر محیط زیست که در روی زمین وجود دارد، برای همه انسان‌هاست و آنها حق دارند از این نعمت‌های الهی استفاده نمایند و هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از آنها بگیرد.

ج: مسخر بودن محیط زیست و عناصر آن برای انسان

این دسته آیات از قرآن آیتی هستند که در آنها کلمه «تسخیر» در خصوص عناصر محیط زیست برای انسانها استعمال شده است. در این آیات، آفتاب و ماه، باد و باران، کوه‌ها و دره‌ها، جنگل‌ها و سبزه‌زارها، حیوانات و سایر منابع زمینی و خلاصه همه موجودات را مسخرانسان قرار داده و به خدمت او در می‌آورد و همه را فرمانبردار انسان

که اشرف مخلوقات است می‌سازد تا او بتواند از همه آنها استفاده کند و زندگی سعادت‌مندی را برای خود به ارمغان بیاورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۱/۳۵۶).

خداوند در سوره نحل می‌فرماید: «وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ...» (ابراهیم: ۳۳)؛ خداوند، خورشید و ماه را مسخر شما ساخت. در سوره دیگر چنین بیان می‌دارد: «وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ...» (نحل: ۱۲)؛ خداوند، شب و روز را برای شما تسخیر کرد.

خداوند متعال طبیعت و محیط زیست را در اختیار انسان قرار داده است. بر این مبنا که هر یک از موجودات، دارای اثر خاص و ویژه ای هستند، اگر انسان آن خاصیت را شناسایی نمود و آن را به طور صحیح تنظیم و رهبری کرد، در واقع آن موجود را مسخر خود قرار داده است و البته خداوند سبحان است که جهان طبیعت را به تسخیر انسان در آورده است: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ: آیا ندیدی که خدا آن چه را که در آسمان ها و زمین است مسخر شما ساخته است» (لقمان: ۲۰). خداوند تبارک و تعالی به آسمان و زمین امر فرمود تا امام و انسان کامل را اطاعت نمایند یعنی انسانی که امین و امانت دار الهی باشد و سالک طریق الهی باشد و در امانت الهی خیانت نکند. همین انسان آزاد نمی‌باشد تا در طبیعت هر گونه که دلش خواست رفتار نماید (جوادی آملی، پیشین: ۱۶۷).

انسان در برابر خداوند و تمامی هستی و آفرینش مسئول است و با صلح و آرامش در کنار محیط زیست به عنوان یک حق بشری که در دهه های اخیر مطرح شده، حق داشتن محیط زیستی سالم و امن را برای انسان ها را در نظر گرفته است و این حق در تعالیم اسلامی هم در نظر گرفته شده است. در تعالیم دینی تأکید شده انسان به عنوان اشرف مخلوقات و خلیفه الهی بر روی زمین حق دارد از نعمت های خداوند استفاده نماید اما این استفاده نباید به شکلی باشد که حق دیگران در استفاده از این نعمات الهی ضایع شود و یا حق نسل های آینده در معرض خطر قرار گیرد.

از مطالب پیشین این نکته قابل ذکر است که که طبیعت و محیط زیست در متون دینی، حق همه انسانها در همه زمانهاست. لذا، در برابر حق استفاده‌ای که خداوند برای انسان در محیط زیست و طبیعت در نظر گرفته است، وظیفه و تکلیفی نیز برای او قائل شده است که آن، حفظ و حمایت و استفاده درست از محیط زیست است؛ زیرا هدف خداوند از مسخر قرار دادن طبیعت برای انسان این است که برای رفاه، آسایش و تکامل خود از آن استفاده نماید. بدین ترتیب، اگر در بهره برداری از این امکانی که در اختیار او قرار گرفته، افراط نماید، بر خلاف آن هدف متعالی اقدام نموده که در نتیجه آن حیات خود او و دیگران و بازماندن از سیر تکاملی در مسیر سعادت دنیا و آخرت را به خطر می‌اندازد (همان).

حق بر محیط زیست، تکلیف و مسئولیتی را برای انسان در مقابل طبیعت و محیط زیست به ارمغان می‌آورد قبل از این گفتیم که انسان حق دارد از محیط زیست سالم و امن استفاده نماید و آیات قرآن هم به همین موضوع اشاره می‌نمود. اما نکته حائز اهمیت اینجاست، که در برابر هر حقی، تکلیفی وجود دارد؛ یعنی همان گونه که انسان اختیار دارد از محیط زیست سالم بهره وری نماید، مکلف است که این حق را برای دیگران نیز قائل شود و از هر عملی که دیگران را از داشتن محیط زیستی سالم، محروم نماید، جلوگیری کند.

بدین ترتیب، انسان در طبیعت و محیط زیست به صورت مطلق و نامحدود تصرف نمی‌کند؛ بلکه مقید به چارچوب‌هایی است که باید آنها را مراعات نماید. و در حیثه آن چارچوب‌ها عمل کند. از قبیل: عدم اضرار به غیر، رعایت حقوق دیگران و حفظ حقوق نسل‌های آینده. عواملی مانند ایمان و اخلاق اسلامی از اموری است که قادر است ارتباط مسالمت‌آمیزی بین انسان و محیط زیست برقرار نماید و سلامتی و شادابی انسان و محیط زیست را به ارمغان آورد.

به همین سبب، در قرآن کریم، خداوند همان گونه که حق استفاده از محیط زیست و طبیعت را برای انسان قائل گردیده، مسئولیت عمران و آبادانی زمین را هم بر عهده او گذاشته است. در سوره هود می‌فرماید: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَ كُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱)؛ خداوند شما را از زمین پدید آورد و آبادی آن را به شما وا گذاشت.

این آیه حاوی این مطلب است که انسان تکلیف دارد به محافظت، عمران و آباد کردن محیط زیست اقدام نماید و هر عملی که با آبادانی محیط زیست مغایر باشد، را ممنوع کرده است.

در اینجا این نکته مهم وجود دارد که قرآن نمی‌گوید، خداوند زمین را آباد نمود و در اختیار شما قرار داد؛ بلکه می‌فرماید: عمران و آبادانی زمین را در اختیار شما قرار داد. پس انسان مسئول است تا زمین را عمران و آباد کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۵۱/۹) آیه حاکی از این مفهوم است که تخریب محیط زیست و نابودی آن، مخالف عمران و آبادانی است، پس باید از آن ممانعت گردد.

قرآن کریم همواره بر رفتارهای سازنده و اصلاح‌گراانه تأکید می‌کند - که قطعاً یکی از رفتارهای اصلاح‌گراانه در زمین حفظ و حراست از طبیعت و محیط زیست می‌باشد - و در مقابل، رفتارهای فسادانگیز را نهی نموده است. در قرآن کریم در موارد زیادی، کلمه «اصلاح» در مقابل «فساد» استعمال شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...» (اعراف: ۵۶)؛ و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید. (حبیبی، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۵)

در مجموع از آیات پیشین این نتیجه به ذهن می‌رسد که فساد مفهومی بسیار گسترده دارد و هرگونه نابسامانی، ویران‌گری، انحراف و ظلم را در بر می‌گیرد. به بیانی دیگر، فساد هرگونه تخریب و ویرانگری می‌باشد که نظام آفرینش را در خطر می‌اندازد. یکی از نظم‌های موجود در آفرینش، نظم حاکم بر طبیعت و محیط زیست است که هرگونه تخریب و نابودی آن، مورد نهی در این آیات قرار گرفته است. به همین خاطر، هرگونه

رفتاری که منجر به فساد و تخریب در عرصه محیط زیست شود، با تعالیم متعالی اسلام در تضاد بوده و ممنوع است. بنابراین، انسان باید در عین استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست، از هرگونه رفتار غیراصولی و فسادانگیز در این مورد جلوگیری کند. بدین ترتیب، انسانها در عین این که حق دارند از محیط زیست طبیعت پاک بهره برداری نمایند، باید این حق را برای دیگران نیز منظور نمایند؛ بدین مفهوم که، از حق خود سوء استفاده نکنند، و حق دیگران را در استفاده از محیط زیست سالم، ضایع و تباه نکنند.

۲-۴- سنت

همان گونه که می دانیم سنت در فقه امامیه به معنای قول و فعل و تقریر یا همان گفتار، رفتار و امضای معصوم (ع) است که پیامبر و اهل بیت (ع) مشمول می‌گردد. با مراجعه به سنت می‌توانیم رویکرد حفاظت و حمایت از محیط زیست را در قول و فعل و تقریر پیامبر اکرم و اهل بیت (ع) بیابیم (فخلعی و تاریمرادی، ۱۳۸۵: ۶۵).

در احادیث مختلفی، از قطع درختان و از بین بردن مزارع و گیاهان و آتش زدن آنها نهی و نکوهش شده و از بریدن و نابود کردن درختان به عنوان عامل افزایش عمر پرهیز شده است. امام علی (ع) در این مورد فرمود: «... يَزِيدُ فِي الْعُمْرِ تَرَكَ الْأَدَى وَ تَوْقِيرُ الشُّبُوحِ وَ صَلَّةُ الرَّحِمِ وَ أَنْ يُحْتَرَزَ عَنْ قَطْعِ الْأَشْجَارِ الرُّطْبَةِ إِلَّا عِنْدَ الضَّرُورَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۹/۷۳): «... آزار نرساندن و احترام سالمندان و صلّه رحم و دوری از بریدن درختان تر مگر در حال ضرورت، موجب افزایش عمر انسان است».

کسانی که درختان مفید و میوه دار را ضایع و تباه نمایند، به عذاب الهی تهدید شده اند؛ همان گونه که امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَا تَقْطَعُوا الشَّامَرَ فَيَبِغِثَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْعَذَابَ صَبًّا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۴/۵): درختان میوه دار را قطع نکنید که در این صورت عذاب خدا بر شما نازل می‌گردد).

رسول خدا (ص) به مجاهدان اسلام سفارش و تأکید می‌کرد که از قطع کردن درختان، و سوزاندن مزارع شدیداً دوری کنند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا أَرَادَ أَنْ يَبْعَثَ سَرِيَّةً دَعَاهُمْ فَأَجْلَسَهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ سِيرُوا بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ لَا تَغْلُوا وَلَا تُمَثِّلُوا وَلَا تَغْدِرُوا وَلَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَانِيًا وَلَا صَبِيًّا وَلَا امْرَأَةً وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تُضْطَرُّوا إِلَيْهَا» (حرعاملی، پیشین، ۱۵:۵۸) (موقعی که رسول خدا(ص) یک گردان جنگی را به مأموریت دشمن می‌فرستاد، فرمانده آنان را در کنار خود می‌نشانید و گردان را در مقابل فرمانده. بعد می‌فرمود: به نام خدا و با یاری خدا حرکت نمایید و در راه خدا و بر طریق رسول خدا پیکار نمایید: مراقب باشید که پیمان خود را نقض نکنید، در غنائم جنگی خیانت نکنید، گوش و بینی کسی را نبرید، درختان دشمن را قطع ننمایید، مگر آنکه مجبور باشید).

فقهای شیعه قطع درختان و تخریب مزارع را حتی در سرزمین دشمن که در حال جنگ با مسلمانان باشند، جایز نمی‌دانند و آن را مکروه و ناپسند می‌دانسته‌اند (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۲۱/۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۹: ۲۳۶/۱؛ محقق کرکی، ۱۴۰۸: ۴۱۲/۳) طبیعت و محیط زیست به همگی انسان‌ها تعلق دارد و همه مردم و جانوران در منفعت آن شریک‌اند.

روایات فراوانی احکام تکلیفی و وضعی مربوط به محیط زیست را بیان نموده‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود و می‌تواند منبع الهام بخش مهمی برای حمایت از محیط زیست باشد:

- امیرمومنان (ع) در زمان حکومت خود از سرازیر شدن ناودان‌ها به سوی گذرگاه مردم جلوگیری می‌فرمود: (حرعاملی، پیشین: ۱۴۷)

- امام علی (ع) فرموده‌اند: «اتقوا الله في عباده و بلادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولَانِ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ.» (سید رضی، پیشین، خ ۱۶۶: ۵۴۴)

درباره بندگان و بلاد و شهرها از خداوند بترسید، همه شما مسئولید حتی درباره ساختمان و زمین‌ها و چارپایان.

تاثیر آن به اندازه ای نیست که اختیار را از انسان سلب کند. به عنوان نمونه: قرآن کریم گیاهان را سرور آفرین و آنها را مایه شادی انسان‌ها می‌داند. (نمل: ۶۰)

- امام کاظم (ع) درباره می‌فرماید: «نگاه به گیاهان حرم و سرسبز چشم را جلا می‌دهد و بروشنایی آن می‌افزاید» (مجلسی، پیشین، ۱۲۴: ۷۵).

۳-۴- قواعد فقهی مرتبط با حق بر محیط زیست

در این خصوص قواعد متعددی ذکر شده که در این مقاله به چند قاعده مهم، اتلاف و تسیب و لاضرر و نفی عسر و حرج پرداخته می‌شود.

الف: قاعده اتلاف

مطابق قاعده اتلاف هر کس اموال دیگران، اعم از اموال خصوصی و عمومی را تخریب و اتلاف نماید، باید خسارت وارده را جبران نماید. فقهای بزرگ بر این باورند که برای صدق معنای اتلاف عنصر عمد و قصد دخالت ندارد و اگر اتلاف غیر آگاهانه و اشتباهی هم صورت گیرد، قاعده اتلاف شامل آن می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۷). البته هرگونه اتلاف عمدی و آگاهانه پیگرد قانونی و ثبوت مجازات تعزیری برای متخلف را به دنبال دارد. از آن جا که موضوع قاعده اتلاف مال غیر است، سزاوار می‌باشد در مورد مالیت و مالکیت منابع محیط زیست مطلبی ذکر گردد. فقها هر آن چه را که نیازمندی‌های مردم را تامین کند و برای معیشت آنها مطلوب باشد مال می‌نامند و این تعریف همه ی عناصر محیط زیست، حتی خاک و هوای موجود را شامل می‌شود. (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۰/۲).

هرچند مطابق حق بر محیط زیست، محیط زیست یک حق بشری به شمار می‌آید، لکن این موضوع بدین مفهوم نمی‌باشد که انسان این حق را دارد که به اتلاف و تخریب محیط زیست اقدام نماید. بلکه باید محیط زیست را به عنوان یک امانت الهی بداند و از

آن محافظت و حمایت نماید. نظریه اتلاف می‌تواند در مصادیق زیست محیطی و جبران خسارت وارده بر آن نقش مناسب و مؤثری بازی کند. بر همین مبنا، هر کس دست به تخریب محیط زیست بزند در مقابل آن ضامن می‌باشد، از نمونه مواردی که محیط زیست به مردم تعلق دارد. (مشترکات عمومی و انفال) چون اتلاف، مشروط به قصد نیست، به همین دلیل مبنای مطلوب و ساده تری برای عاملین خسارت به محیط زیست می‌باشد (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۸۹) مستند این حکم هم کتاب است، هم سنت، هم اجماع و هم بناء عقلا می‌باشد. مستند این قاعده در کتاب، آیه شریفه زیر است که بعضی از قدا از جمله (شیخ طوسی، ۱۳۶۳، ۳:۶۰) به آن اشاره کرده اند: «مَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ: هر کس تجاوز کند بر شما پس تجاوز کنید بر او مثل آن چیزی که تجاوز کرده است بر شما» (بقره: ۱۹)؛ که اتلاف یکی از مصادیق تجاوز و تعدی بر دیگری است و دستور قرآن مجید نیز که می‌فرماید: (مثل بگیرید) کنایه از آن است که اگر مثلی باشد مثل و اگر قیمتی باشد قیمت گرفته شود و نهایتاً جبران خسارت مطرح می‌باشد:

در سنت هم مرحوم شیخ در مبسوط روایتی از عبدالله مسعود از رسول اکرم (ص) نقل کرده که آن حضرت فرموده است: «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» (شیخ طوسی، بی تا، ۳:۵۹) تردید نیست که اگر اهمیت مال مسلمان باشد خون او باشد پس اگر مقداری از آن تلف شود، موجب ضمان خواهد بود نتیجه اینکه تعدی و تجاوز به محیط زیست و اتلاف در طبیعت حیات بشریت را به خطر مواجه نمود لذا فرد خاطی باید جبران خسارت نماید.

بر اصل ضمان اتلاف اجماع فقها محقق است، البته ممکن است در موارد و مصادیق، اختلاف نظر وجود داشته باشد ولی در اصل اختلافی نیست (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۱۱۲) و نهایتاً با مراجعه زندگی خردمندان قطع نظر از ادیان، این نکته مسلم به نظر می‌رسد که عقلا هنگامی که شخصی مبادرت به اتلاف مال تا طبیعت که حق همه انسانهاست

می کند ذمه او را در قبال مالک و مالکین مشغول و او را ضامن پرداخت خسارت می شناسد (همان)

ب: قاعده تسبیب

براساس این قاعده هر اقدامی که بطور غیرمباشر موجب تخریب و آلودگی عناصر محیط زیست شود ضمان آور خواهد بود. نکته قابل توجه این که قاعده نقش های تسبیبی ناستی از ترک فعل را هم دربرمی گیرد (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۱۲۰) سبب چیزی است که از وجودش وجود دیگری لازم نیاید ولی از عدمش عدم دیگری لازم می آید. بین اتلاف و تسبیب تفاوت هایی وجود دارد از جمله این که:

اولاً: در اتلاف همواره خسارت با یک فعل مثبت به وجود می آید و فعل منفی یعنی ترک فعل از مصادیق اتلاف نمی باشد، اما در تسبیب به هر دو صورت (فعل و ترک فعل) موجب مسئولیت می گردد.

ثانیاً: در تسبیب تعدی و تفریط هم لازم است اما در اتلاف تعدی شرط نیست. ثالثاً: در اتلاف مستقیماً با مباشرتاً خسارت متوجه زیان دیده می شود و مسئول جبران خسارت است.

مطابق این قاعده اگر عدم اقدام به موقع اشخاص یا نهادهای مسئول باعث ورود خسارت های زیست محیطی و از بین رفتن ذخایر محیط زیست گردد براساس این قاعده مسبب مسئول جبران خسارت های وارده می باشد. که باید آنها را جبران نماید.

در متون اسلامی مبتنی بر این قاعده، انسانی که از محیط زیست و منابع طبیعت به عنوان حق انسانی استفاده می نماید، نباید برای جبران کامل، فوری و مناسب خسارات حوزه محیط زیست رابطه سببیت را ثابت کند، چون که در بیشتر موارد مرتبط با خسارات زیست محیطی اثبات رابطه سببیت با دشواری های زیادی همراه است (فهمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۸۹).

ج: قاعده لاضرر

در احکام اسلام ضرر زدن به خود و به غیر تجویز نشده است. در مواردی هم که قادر به تشخیص ضرر نیستیم، مرجع در تعیین ضرر و ضرار عرف است. اگر عرف امری را ضرری ندانست، قاعده لاضرر آن را نمی گیرد، و ارتکاب آن نیز حرام نمی باشد. البته این در جایی است که دلیلی از طرف شارع برای تفسیر و توسعه و تضییق ضرر نداشته باشیم. ولی اگر دلیل خاصی داشته باشیم که شارع امری را ضرری بداند، به عرف مراجعه نمی شود. (عراقی، ۱۴۱۸: ۳۱)

حفظ محیط زیست و طبیعت نیز از این قاعده مستثنی نیست، و افراد حق ندارند بدلیل استفاده خود، دیگران و منابع طبیعی را در معرض خطر انقراض دهند. اسلام این گونه استفاده را که سبب ضرر و زیان به دیگران و محیط می شود مورد مذمت قرار می دهد. قاعده لاضرر نه تنها خسارت های ناشی از اقدامات تخریبی را بر می دارد بلکه ترک اقدام اصلاحی و سازنده اگر اضرار در محیط زیست را در پی داشته باشد، این قاعده با آن به مقابله بر می خیزد.

در نتیجه، این قاعده نه فقط از اضرار به محیط زیست و طبیعت ممانعت می کند بلکه ضمان زیان های ناشی از هر گونه ترک اقدام اصلاحی را هم برعهده خسارت زننده قرار می دهد که در اصول بنیادین حقوق محیط زیست به عنوان پرداخت خسارت آلوده ساز مطرح می باشد.

از باب نمونه به احادیثی اشاره می شود که نشان دهنده این است که شعاع قاعده لاضرر سراسر زندگی انسان را در بر می گیرد. نحوه استدلال در احادیث زیر نشان می دهد که اسلام ضرر و زیان و آسیب رساندن به دیگران را نمی پذیرد، و بدون تردید یکی از موارد ضرر و زیان، تخریب محیط زیست انسان و دیگر موجودات زنده است.

۱- از امام صادق (ع) روایت شده که پیامبر خدا در مورد شفعه در میان شرکای زمین و مسکن داوری نمود و فرمود: «ضرر و آسیب رساندن به دیگری [در اسلام] وجود ندارد.» (کلینی، ۱۳۸۸: ۵/۲۸۰).

حدیث شریف لاضرر عمومیت دارد؛ چنان که نحوه استدلال به آن در موارد اختلاف نشان دهنده این مطلب است. جای تردید نیست که تخریب محیط زیست، و آلوده کردن محیط زندگی، و بی توجهی به آثار و زیان‌های ناشی از نابودی بی رویه این تخریب و آلودگی از مصداق ضرر و زیان به آدمیان است.

حدیث شریف لاضرر عمومیت دارد؛ چنان که نحوه استدلال به آن در موارد اختلاف نشان دهنده این مطلب است. بدون تردید تخریب محیط زیست، و آلوده کردن محیط زندگی، و بی توجهی به آثار و زیان‌های ناشی از نابودی بی رویه این تخریب و آلودگی از مصداق ضرر و زیان به انسان‌ها می‌باشد. (همان، ۲۹۲/۵).

براساس مطالبی که مورد مفهوم ضرر و ضرار گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم که قاعده لاضرر در قلمرو محیط زیست نیز جریان دارد؛ بدین مفهوم که آدمیان نمی‌توانند به خاطر استفاده افراطی از طبیعت، به دیگران ضرر و خسارت بزنند، و خداوند متعال چنان چیزی را برای آنان جایز ندانسته است. اگر استفاده و سودجویی بی‌رویه از طبیعت محیط زیست انسان‌ها و جانداران، باعث ضرر به خود و یا دیگران گردد، از نظر اسلام مردود است، به دلیل این که در اسلام، «ضرر و ضرار» وجود ندارد.

د: قاعده نفی عسر و حرج

قاعده عسر و حرج، یکی دیگر از قواعد فقهی پذیرفته شده است که مصادیق زیادی دارد. در اصطلاح فقهی، منظور از این قاعده، این است که تکالیفی که باعث سختی و مشقت افراد شود، در دین وجود ندارد. به بیانی دیگر عسر و حرج ضرر و مشقتی شدید یا فاحش است که عادتاً قابل تحمل نیست. که در این جا با پذیرفتن نقش اثباتی آن در احکام شرعی در زمینه خسارات و زیان‌های ناشی از تجاوز به طبیعت و محیط زیست کاربرد دارد. چونکه عسر و حرج تعادل الولوژیک طبیعت و محیط زیست موجودات زنده را بر هم می‌زند و از عسر و حرجی که برای افراد پیش می‌آید مهم‌تر است. لذا

اگر امکان دارد عسر و حرج با جبران خسارت رفع یا کاهش یابد، متجاوز به حقوق محیط زیست باید در جهت جبران خسارت اقدام نماید.

نتیجه گیری

از مجموع مطالب بالا نتایج زیر به دست می آید:

۱- انسان به عنوان جزئی از نظام آفرینش، باید با دیگر آفریده‌های خداوند همکاری سازنده و پایدار داشته باشد. محیط زیست و طبیعت، جایگاهی است که آدمیان در آن به دنیا آمده و رشد کرده اند. و به عنوان گهواره انسان به حساب می آید. از این رو، باید به نوعی با آن ارتباط داشته باشد که هم از مواهب طبیعی آن برخوردار گردد، و هم محافظ سلامت و پایداری آن باشد.

۲- آیات و روایات بسیاری به این موضوع اشاره کرده اند که نشان دهنده آن است که خداوند سبحان، طبیعت و محیط زیست را برای انسان خلق نموده و او می تواند در آن تصرف نماید؛ لکن از طرف دیگر بر این موضوع تأکید می کند، که حق بهره‌مندی از محیط زیست، مختص به یک نسل نیست. به همین دلیل، باید از آن به گونه ای اصولی و عادلانه استفاده و بهره برداری نماید؛ به شکلی که هم نسل حاضر و هم نسل‌های آینده بتوانند در پناه آن زندگی سالمی داشته باشند. لذا، سوء استفاده از این حق که آلوده‌سازی، تخریب و نابودی محیط زیست را به دنبال خود دارد و در نتیجه به حق دیگران - به خصوص نسل‌های آینده - در بهره برداری از آن خللی وارد کند، ممنوع است.

۳- حمایت از محیط زیست، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ روز به روز ارزش و اهمیت بیشتری می یابد در منابع غنی اسلامی همواره حق بر محیط زیست و حمایت از آن مورد توجه بوده و در آیات و روایات متعددی و احکامی که در این خصوص وضع شده است به وضوح می توان آن را دید. در حقوق اسلام نیز همانگونه

که در مورد اهمیت و جایگاه حفظ محیط زیست برای تداوم جوامع انسانی و نگاه اخلاقی، عرفانی و الهیاتی به این مسئله در متون دینی انسان ها و دولت ها را مکلف به رعایت و احترام به حفظ محیط زیست می نماید. در این میان ایجاد آسیب و رنج غیرضروری به محیط زیست ممنوع شده است، قاعده لاضرر و اتلاف و تسبیب شاخص ترین این قواعد در این زمینه هستند.

۴- می توان گفت که از طریق ترویج مبانی اخلاقی مشترک پیرامون مسائل زیست محیطی می توان به حفظ و حراست در این زمینه دست یافت، مبانی مشترک اخلاقی زیست محیطی ادیان الهی بویژه دین مبین اسلام می تواند از طریق آموزش دینی نهادینه شده و در تمام کشورها و در مقاطع مختلف تحصیلی با حمایت نهادهای مربوطه مخصوصا علما و فقها و نیز از طریق تبلیغات رسانه های جمعی در تمام جوامع بشری و امت واحده و نیز از طریق فرهنگ سازی عملی با پیروی از آیات الهی و سنت اولیا خاص خداوند سبحان بویژه پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) بصورت یک برنامه منسجم، محیطی را پدید آورد تا تمام افراد بشر از هنگامی که با محیط زیست ارتباط معنادار برقرار می کنند به حفظ و صیانت آن پرداخته و بحران های زیست محیطی فعلی را از بین ببرند و در آینده نیز ریشه های چنین بحران هایی توسط انسان که خلیفه و جانشین خداوند سبحان می باشد از بنیان خشک نموده و جهانی سعادت مند برای تکامل سعادت بشر شکل گیرد. چرا که اسلام از آن جهت که حیات و صلح در گوهر او نهادینه شده است، می تواند صلح جهانی و ایجاد محیط زیست سالم را رهبری نماید و به همین خاطر، پیامبر گرامی اسلام (ص) به عنوان رحمت جهان شمول معرفی شده است: «وما ارسلناکَ اِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِینَ» (انبیاء: ۱۷) و صلح جهانی از مظاهر آشکار رحمت الهی است.

۵- اسلام دین را به عنوان قانون اساسی زندگی فردی- اجتماعی در تمام شئون فرهنگی، اقتصادی و نظامی و ... می‌داند که آن را به منظور شکوفایی صلح جهانی عادلانه و فراهم شدن محیط مناسب برای زیست الهی انسان معرفی می‌کند.

۶- یکی از نتایج بینش قرآنی در این مورد آن است که در استفاده از جهات و نعمت‌هایش نمی‌تواند به گونه‌ای عمل کرد که با صلح و مسالمت ناسازگار باشد. فرایند صنعتی سازی هرگز نباید به تخریب محیط زیست منتهی شود. قرآن از نیکانی یاد می‌کند که در عین برخورداری از موهبت‌های فراوان و شکوهمند، هرگز در اندیشه تهاجم و تخریب نبودند. «سلیمان» و «داوود» (ع) و «ذوالقرنین» از نمونه‌های همین نیکان‌اند: مثلاً داود (ع) از رهگذر تسلط بر آهن برخوردار از شخصیت انقلابی و رهبری ملی، قدرت والایی داشت. اما هرگز از این قدرت در راه تهاجم و تخریب و ساخت سلاح‌های هجومی به کار نگرفت، بلکه آن را صرف ساختن زره کرد «وَعَلِمْنَا هُ صَنَعَهُ كَبُوسٌ لَّكُم» (انبیاء: ۸۰) و به او صنعت زره سازی برای شما آموختیم.

۷- بنابراین توجه به این نکته لازم است هرگونه توسعه جهانی و توسعه پایدار، خواه تجارت یا صنعت و یا سیاست یا امر دیگر در پرتو صلح عادلانه جهانی بصورت عام و حفاظت از محیط زیست «خاص» جلوه می‌کند و گرنه توسعه آن امور، محصولی جز توسعه فساد و ناامنی و ایجاد بحران‌های زیست محیطی ندارد.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، بنیاد نهج البلاغه.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۳۸۹)، **کفایة الاصول**، قم: الامام الحسن بن علی (ع).
- ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، تحقیق: موسوی، حسن بن احمد و ابن مسیح، ابو الحسن، چاپ دوم، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- امید، جلیل؛ یوسفی پور، فرهاد، (۱۳۹۳)، **موقعیت و مبانی ارزش گذاری محیط زیست و لزوم مقابله با آلاینده ها در فقه اسلام**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۰، ۷-۳۰.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۴۰۰)، **ترمینولوژی حقوق**، تهران: میزان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، **تفسیر موضوعی قرآن مجید**، قم: مرکز فرهنگی رجاء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، **مفاتیح الحیاه**، ج ۱۵، تهران: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳)، **اسلام و محیط زیست**، قم: اسراء.
- حبیبی، فقیه (۱۳۹۲)، **خسارات محیط زیست پس از جنگ ایران و عراق**، رساله دکتری حقوق محیط زیست، تهران: دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، **تفصیل و سایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۱۵ و ۱۶، قم: مؤسسه آل البیت (ع).
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۰ق)، **اسلام و محیط زیست**، ترجمه سید حسین اسلامی، قم: یاس زهراء.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۶۸)، **صحیفه امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۱)، **لغت نامه**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- شفیع مازندرانی، سید محمد (۱۳۸۶)، **طبیعت و محیط زیست از منظر قرآن و سنت**، قم: استاد مطهری.
- طباطبائی (علامه)، سید محمد حسین (۱۳۶۲)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دار العلم.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۶۳)، **المبسوط: فی فقه الامامیه**، تصحیح: محمد تقی کشفی، تهران: المکتبه المرتضویه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (بی تا)، **نهایه الاحکام**، قم: قدس محمدی.
- عراقی، آقا ضیاء (۱۴۱۸ق)، **قاعده لا ضرر ولا ضرار**، تحقیق: سید قاسم حسینی جلالی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۹۲)، **جستاری کلی در مقررات بشر دوستانه در فقه اسلامی و حقوق بشر دوستانه بین المللی**، به کوشش غلامرضا جلالی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۲)، **فقه تولید، انباشت و کاربرد سلاح های غیرمتعارف با محوریت فقه امامیه**، حقوق اسلامی، ۳۸، ۷-۲۸.

- عمید، حسن (۱۳۹۰)، **فرهنگ عمید**، ج ۳۸، تهران: امیرکبیر.
- فخلعی، محمد تقی، تاریمرادی، احسان (۱۳۸۵)، **مبانی و احکام فقهی محیط زیست**، مطالعات اسلامی (فقه و اصول)، ۷۱، ۶۶-۳۱.
- فرمهبنی فراهانی، محسن؛ فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۲)، **دانش زیست محیطی زنان برای توسعه پایدار**، ج ۱، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- فهیمی، عزیزالله؛ مشهدی، علی (۱۳۸۸)، **ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست: (از رویکردهای فلسفی تا راهبردهای حقوق)**، پژوهش های فلسفی کلامی، ۴۱، ۱۹۵-۲۱۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۱)، **مقدمه علم حقوق**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱ق)، **الکافی**، ج ۵، ترجمه: سید جواد مصطفوی، قم: علمیه اسلامیة.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، **اسلام و محیط زیست**، مجله نور علم، ۴، ۱۱۱-۱۱۶.
- مجلسی (علامه)، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، ج ۷۳، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹ق)، **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ۱، چ ۲، تحقیق: سید صادق شیرازی، تهران: استقلال.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۰۸ق)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، ج ۳، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۱)، **طبیعت و محیط زیست از دیدگاه اسلام**، مجله رهنمون، ۲ و ۳.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۳)، **قواعد فقه (بخش مدنی)**، تهران: مرکز نشر اسلامی.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۱)، **قواعد فقه (بخش مدنی)**، تهران: مرکز نشر اسلامی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، **میزان الحکمه**، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، **تفسیر نمونه**، ج ۱۱ و ۱۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، **القواعد الفقهیه**، اصفهان: مدرسه الامام امیرالمومنین (ع).
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق)، **القواعد الفقهیه**، ج ۲، قم: الهادی.

- یوسف وند، محمود (۱۳۹۳)، ادله فقهی منع به کارگیری سلاح هسته ای با رویکرد

حقوق بشر دوستانه بین المللی، تهران: میزان.

- Bou bokeur, dalil (2001) L, Islam et I environnement GB conference
Triest- italy, 2 March 2001.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی